

## بقلم : آقای فقیهی عراقی

### چاپ دیوان حکیم سوزنی

یا روش نوین مقدمه نویسی و تصحیح و انتشار کتب ادبی

در این هفته دیوان حکیم سوزنی سمرقندی که چند ماه پیش بوسیله کتابفروش امیر کبیر چاپ و انتشار یافته بدسمن رسید و آنچه نخست توجهم را جلب و بر اشتیاقم بمطالعه آن افزود عبارت مندرج در صفحه ماقبل سر آغاز کتاب بود بدینمضمون (تصحیح و مقدمه و شرح احوال و فهرست لغات و ترکیبات و جایها بامعانی و تقاسیر از دکتر ناصرالدین شاه حسینی) که پنداشتم با روش تحقیقی و پسندیده ای که امروز استادان ادب و نویسندگان دانشمند برای انتشار کتب ادبی بویژه دیوانهای شاعران از لحاظ تصحیح و مقابله نسخ و تحقیق درباره شرح حال و آثار آنان و تهیه فهرست مرتب و واژه نامه منظم برای هر دیوان برگزیده اند و هر یک باشیوه خاص و جالبی برای استفاده بیش تر اهل ذوق و مطالعه کنندگان در اینراه گامی فراتر نهاده اند - اکنون بکتابی دست یافته ام که از هر حیث نکات فوق الذکر در آن رعایت و بتمام معنی مورد استفاده خواهد بود و آقای مصحح محترم اگر در اینمیدان گوی سبقت را از همگان نر بوده باشند لاقول اینقدر صرف وقت و وقت فرموده که خواننده در مطالعه هر صفحه به اغلاطی فاحش برخورد نکند و مورد انتقاد و اشکالی نیابد تا چه رسد باینکه اشتباهات بسیاری از ایشان در انتشار این اثر ارزنده ادبی بدست آید .

اما متأسفانه هر چه در مطالعه مقدمه و فهرست لغات و بعد متن کتاب بیشتر دقت شد نقائصی پی در پی مشهود و موارد قابل اشکال و انتقاد افزون گردید که اینک بطور مختصر برخی از آنها یاد میشود .

۱- اغلاط کتاب نیشمار است و سقط کلمات، قابل توجه و در برخی موارد کلمه آنچنان غلط چاپ شده که گویی تحریف یافته و مفهوم آن عکس معنی مورد نظر میباشد که از آنگونه است.

در صفحه سر آغاز و صفحه نخستین از متن کلمه دو تا بحذف (ها) بجای دو تاه آمده که خود از لحاظ قافیه اشکالی دیگر بوجود میآورد.

در صفحه ۴ سطر ۱۳ و ۶ و صفحات ۵ و ۱۳ و ۱۶ و ۲۱ مقدمه بترتیب کلمات (شاه - فرو - تو و وحق - برادر - چون - رود کی) بخطا بجای کلمات (چاه - فرو - تو در حق - خواهر - چو - سوزنی) و در صفحه ۲۹ مقدمه ارزق بجای ازرق بمعنی کبود چاپ شده.

و نیز در همان صفحه و نخستین صفحه متن کلمه اجتناب باجیم ابجد - اجتناب با حای حطی آمده که در او آخر مقاله توضیحی راجع باین دو کلمه داده میشود و در صفحه ۵ متن سطر آخر کلمه شها بجای سها بضم سین که بمعنی ستاره ایست آمده و بهمین قیاس تا پایان کتاب و هم چنین در صفحه ۲۲ مقدمه سطر ۱۰ کلمه اواز جمله (وفات ... را) و در صفحه ۴۹ سطر ماقبل آخر حرف و کلمه و معنی از جمله (بروزن ... گلوله) ساقطست و موارد بسیاری دیگر از این قبیل اغلاط فاحش که نگارش همه آنها خود کتابی جدا گانه خواهد شد و مصحح ارجمند صرف نظر از اینکه بظ گیری مبادرت نورزیده اند پس از پایان چاپ کتابهم لابد بواسطه گرفتاری و سر گرمی زیاد حتی باندازه تهیه غلطنامه و جدول خطا و صواب نیز مجال و فرصت نیافته اند و تصحیح آنرا بدوق سلیم مطالعه کنندگان محول فرموده اند.

۲- در شرح حال شاعر صاحب دیوان و شاکر ان معاصر و ممدوحان او چنان راه ایجاز را پیموده اند که حق مطلب ادا نشده و از لحاظ بحث در افکار و آثار سوزنی و شناسانیدن سبک این شاعر در سخن سرایی میتوان گفت توجهی باین مبحث نفرموده اند و اگر جسته و گریخته اشاراتی شده در خور روش تحقیقی و تتبعات عمیق فضلاء و ادباء معاصر نمیشد.

۳ - در تنظیم قصاید و قطعات و رباعیات رعایت ترتیب حروف تهجی قوافی بطور مناسب نشده است .

بدینگونه که در نخستین قسمت هزلیات (قصاید) پس از آخرین قصیده مقفی بیاء بدون توضیحی در پاورقی چند قصیده دیگر بقافیۀ (د) و غیره بچاپ رسیده و در قسمت قطعاتهم اعم از جد و هزل نیز همین روش بکار رفته و پس از پایان حرف بیاء چندین قطعه بقوافی مختلف و درهم آمده که درباره آنها یا توضیحی داده نشده و یا اگر اشاره بی هست که فلان قطعه در نسخه اساس متن نیست و در برخی دیگر از نسخ موجود است باز در چاپ آن قطعاتهم ترتیب حروف تهجی قوافی مراعات نگردیده همچنانکه در رباعیات نیز این نکته لازم الرعایة را بدست فراموشی سپرده اند .

۴ - مهمتر از موارد سابق الذکر چند موضوع دیگر در باره فهرست لغات و ترکیبات با معانی و تفاسیر آنهاست که جناب آقای دکتر رنج تهیه و تنظیم آنرا بخود راه داده اند .

نخست اینکه در تنظیم آن فقط حروف اول کلمه مراعات گردیده و بحروف بعدی توجهی نشده و روش فرهنگ نویسی متداول که لغات و کلمات پس از حرف اول بترتیب حروف بعدی ردیف میشوند بهیچ وجه مد نظر قرار نگرفته است و بطور مثال باید یاد آور شد که:

در ردیف حرف (باء) بنده و بیشه پیش از براق و باد رنگ آمده و در حرف (ج) بترتیب جرس - جلاجل - جبابت - جرغنه - جبهه - جزع - جابلقا - جوالق - جباه آمده تا پایان آن و برای یافتن يك واژه یا ترکیب باید تمام کلمات مصدر بیک حرف را از نظر گذرانید .

دو دیگر اینکه معلوم نیست آقای دکتر چه دسته از لغات و کدام سنخ از کلمات و ترکیبات را خواسته اند معنی و تفسیر فرمایند زیرا آنچه دقت شد فقط ایشان بمعنی

و بقول خودشان (تفسیر) برخی از لغات و ترکیبات پرداخته‌اند و بیشتر آنها را که حصه اصلی و قسمت اساسی را تشکیل می‌دهند از نظر دور داشته‌اند که باز بطور مثال لغات دو صفحه که حتی بذکر یکیشان در فهرست مبادرت نشده نگارش مییابد منقول از ص ۸۲ و ص ۸۳ متن کتاب.

(محنقه - معسقه - هنبقه - شقشقه - بقبقه - محرقة بکسر میم - مخرقه - مغلقة - مطرقه - مثقب - شقشقه - متقبه - نطاق - غنقره - دنج - قسوره - مهنطره - و بدینمواست لغات و ترکیبات صفحات دیگر تا پایان کتاب

سه دیگر اینکه در ضبط حرکات و معنی و تفسیر آندسته از لغات هم که در فهرست آمده اشتباهات و لغزشهایی مشهود است که از آنجمله است :

۱- اجتهاب با (ج) ابجد که از ماده جبی و اصل آن اجتهاب و از لحاظ ضرورت شعری اجتهاب شده و بمعنی برگزیدن و قراهم شدنست - اجتهاب یا با (ح) حطی آمده و آنهم (بمیان پشت و اطراف عمامه) معنی شده در صورتیکه با توجه بمصرع شعر از صفات پاک اینک اجتهاب آورده (م) گمانم نیازی بشرح نباشد که گوینده همان کلمه نخستین را بکار برده و اصولاً دانسته نشد که برای اجتهاب این معنی را از کجا یافته‌اند زیرا در کتب لغت اجتهابی و اجتهاب بمعنی جامه بر خود پیچیدن و پشت و ساقین را بقوطه و عمامه بستن و نشستن و دست گرد زانو حلقه کردن و نشستن مییابد و شاید مصحح محترم از این عبارت المنجد (اجتهابی اجتهاب) با الثوب : اشتمل به جمع بین ظهره و ساقیه بعمامة و نحوها « بخطا این معنی را استنباط کرده‌اند - رجوع شود به ص ۱۵۶ و ص ۲۱۹ جلد ۱ چاپ ۱ منتهی الارب و ص ۷۶ و ص ۱۱۱ آخرین چاپ المنجد و ص ۲۱ شمس اللغات .

۲ - اضحی - روز قربانیست نه روز عید قربان بلکه عید اضحی بدین معنی مییابد .

۳ - بیجاده - بطور مطلق بمعنی کهربانیست بلکه برخی بمعنی کهربا گویند

و دیگران نوعی از یاقوت و یا سنگریزه سرخ معدنی ارزانقیمت که رباینده کاهست دانند - رجوع شود بیرهانجامع وفرهنگ رشیدی و برهانقاطع وشمس اللغات .

۴- دنج عربی ودر لغت بمعنی فروتنی و سر بیائینی وراگردیدن و نیز عید ترسایان آمده و فقط صاحب برهانقاطع آنرا سریانی وبمعنی طلوع آنهم طلوع حضرت عیسی دانسته و برفرضهم که در قصیده سوزنی این کلمه با (ح) حطی آمده باشد نه با (جیم) با معانی آن در ضبط کتب لغت عربی تناسب دارد نه معنی طلوع مقید سرپائی آن - رجوع شود بمنتهی الارب والمنجد وسایر کتب لغات عربی .

۵- غدودی - نخست اینکه کلمه مر کبست از (غدود) و (با) و بسیط نیست بطوریکه در فهرست آمده دیگر اینکه غدود جمع غدد که ( آن خود جمع غده است) نمیباشد وفعول در صیغ منتهی الجموع (جمع بر جمع) نیامده است - رجوع شود به ص ۹۰۷ منتهی الارب و ص ۵۷۲ المنجد .

۶- آل یاسین - مراد آل محمد (ص) است نه آل علی (ع) بطور مطلق بلکه ( آندسته از اولاد و احفاد حضرت امیر المؤمنین (ع) که بحضرت فاطمه (ع) می پیوندند) که آل محمد (ص) عبارتند از امیر المؤمنین علی و فاطمه زهرا علیهما السلام و اولاد و احفاد آندو بزرگوار و مفسران موثق (یس) را نامی از نامهای حضرت ختمی مرتبت دانسته و آل یاسین را به آل محمد (ص) تفسیر کرده اند - رجوع شود بجلد ۴ نخستین چاپ تفسیر ابوالفتوح رازی ص ۴۰۱ و ص ۴۴۸ در تفسیر کلمه (یس) و آیه سلام علی آل یسین .

گرچه موارد اشکال و انتقاد بسیار است لیکن چون صفحات مجله وزین ارمغان را برای درج مقالات محدودیتی میباشد و تفصیل مطلب موجب خستگی و ملال خوانندگان گرامی خواهد شد بنابراین بنگارش خود در اینجا پایان مینخشم وموفقیت مصحح ونویسنده محترم را در انجام خدمات ارزنده ادبی که مبتنی بردقت نظر وتحقیق وتتبّع کامل باشد از خداوند خواهانم .